

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش: الحاج داکتر امین الدین « سعیدی- سعید افغانی »

۲۴ می ۲۰۱۷

تفسیر احمد - ۳۶

ترجمه و تفسیر سورة الناس - ۳

توبه فرعون چرا قبول نشد؟

توبه فرعون به خاطری قبول نشد که ایمان آوردن فرعون در وضع اضطراری و از سر ناچاری صورت گرفته بود، یعنی زمانی که فرعون به حالتی رسید که چاره فرار از حالاتی که در آن قرار داشت برایش غیر ممکن بود و از طرف دیگر راه نجات از آن نداشت و مرگش حتمی بود، بناءً توبه و پشیمانی اش برایش هیچ فایده ای نرساند، این است حالات و سرنوشت تمام مجرمین و گناهکاران و گمراهان که در حالات اضطرار توبه هیچ فایده برایشان رسانده نمی تواند.

قرآن عظیم الشان با زیبایی خاصی بیان می دارد: «حَتَّىٰ إِذَا أَدْرَكَهُ الْعَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ؛ هنگامی که غرقاب دامن فرعون را گرفت، گفت: ایمان آوردم که هیچ معبودی جز کسی که بنی اسرائیل به او ایمان آورده‌اند، وجود ندارد و من از تسلیم شدگان هستم». (سوره یونس : آیه ۹۰)
به همین دلیل پروردگار او را مخاطب ساخت و فرمود: «الآنَ وَ قَدْ عَصَيْتَ قَبْلَ وَ كُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ؛ اکنون ایمان می‌آوری، در حالی که پیش از این طغیان و عصیان کردی و در صف مفسدان قرار داشتی؟!»
خواننده محترم!

این حکم مختص فرعون نیست یکی از شرایط پذیرش توبه، آن است که قبل از فرا رسیدن مرگ، توبه صورت گیرد، همان‌طور که قرآن کریم می‌فرماید: «وَ لَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدُهُمُ الْمَوْتُ قَالَ أَنِّي تُبْتُ الْآنَ؛ برای کسانی که کارهای سوء انجام دهند و به هنگام فرارسیدن مرگ توبه کنند، توبه‌ای نیست». (سوره نسا : آیت ۱۸)

با وجود این که می دانیم شرع در عبادات به نقل است نه به عقل اما منطق ساده و عام فهم سخن هم در این است که پاداش و اجر الهی در انتخاب است. در صورتی که راه انحراف را پیموده و دیگر راه بازگشت و فرصت خوبی نیست و آخرین فرصت به لاچاری انتخاب توبه می کند در این صورت منطق سخن نیز چنین است که توبه قبول نشود. چنین منطقی در برابر رضاء و اراده الهی با وجود تمام گناهان ممکن است مورد عفو و گذشت قرار گیرد (ان شاء الله تعالی). البته این آیه با مفاهیم آیاتی که می گوید: توبه تا آخرین نفس پذیرفته می‌شود، منافاتی ندارد،

زیرا منظور از آن، لحظاتی است که هنوز نشانه‌های قطعی مرگ را مشاهده نکرده و به اصطلاح دید برزخی پیدا نکرده‌است.

پروردگارا! ما را از توبه گزاران واقعی قرار ده و ما را از گمراهی نجات ده . آن شخصی که در همه حالات الله تعالی را حاضر و ناظر می دانند هیچ گاه نباید مرتکب کفر شده و به تبلیغ شر و فساد بپردازد ذات الهی میری از تمام این فتنه و فساد است که بروی می بندد و متخلفان در این راستا قبل از همه و قبل از این که به دیگران ضرر متوجه شود به خود شان ضرر برمی گردد. بهترین راه مراجعه به خود، اعمال و کردار خود بهو مصداق این آیت قرآنی عمل کردن است، امکان دیگر برای ما انسانها وجود ندارد . بر ما است تا با تمام صداقت دعا نموده و بیان بداریم: « رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَ أَنْ لَمْ نَغْفِرْ لَنَا وَ تَرَحَّمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ خدایا، به خود ظلم کردیم و اگر ما را نیامرزی و رحم نکنی، از زیانکاران خواهیم بود» (سوره اعراف آیت ۲۳).

شیطان خبیث:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ «ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید! و از گامهای(راه) شیطان، پیروی نکنید! به خاطر این که او دشمن آشکار شماست.» (سوره بقره، آیت ۱۶۸) اکثریت مطلق علمای زبان شناسی بدین عقیده و باور اند که «شیطان» اصلاً کلمه ای عربی است و از ماده «شطن» مشتق شده است. شطن به معنای دور شدن است و به هر متمرّد یاغی و باغی اعم از انس و جن و حیواناتی که باشد ، خطاب (شیطان) برایش کرده می شود.

ولی «شاطن» به معنای خبیث است و به ابلیس و ذریه (خانواده) و اعوان (مساعدین) او به مناسبت همان تمرد و عصیانگری و خبائثت و وسوسه گری، شیطان خبیث اطلاق گردیده است .

این کلمه به آنده از انسانهایی که با شیطان همدستی و همکاری می کنند در قرآن عظیم الشان به نام شیطان خطاب شده است. (و اذخلوا الی شیطینهم قالوا انا معکم) (سوره بقره آیت : ۱۴) (و منافقان زمانی که با شیاطین خود خلوت می کنند، می گویند ما با شما هستیم) و یا هم طوری که قرآن عظیم الشان در سوره انعام آیت ۱۱۲) می فرماید: (و كذلك جعلنا لكل نبي عدوا شياطين الانس والجن) (و همچنین برای هر پیامبری دشمنی قرار دادیم از شیطانهای انس و جن).

کلمات «الشيطان» و «الشیاطین» و «شیطاناً» بیشتر از (۹۰) بار در سوره های مختلفی از قرآن عظیم الشان تذکر رفته است . که در همه موارد از : شیطان به عنوان دشمن و بدخواه انسان یاد آوری به عمل آمده است.

در روایات آمده است که: شیطان به طور طعن آمیز می گوید: پروردگارا! بندگانگانت تو را دوست دارند ، ولی با آنها نافرمانی تو را می کنند. ولی به عکس من را دشمن خویش می شمارند ولی از من فرمانبرداری می کنند. می گویند در مقابل جواب داده می شود: من عفو کنم فرمانبری آنان را از تو، به خاطر دشمنی که با تو دارند، و ایمان آنان را می پذیرم اگر چه منرا فرمانبری نکردند به دوستی که با من دارند.

برخی از اوصاف خبیثه شیطان در قرآن:

اولین صفتی که برای شیطان خبیث در قرآن عظیم الشان داده شده است همانا دشمنی سرسخت شیطان به انسان و اولاده انسان است. (ان الشیطان للانسان عدو مبین) (همانا شیطان برای انسان دشمنی آشکار است) (سوره یوسف آیت : ۵)

دومین صفتی که برای شیطان در قرآن داده شده است همانا صفت : اغواگری، دسیسه بازی گمراه کننده شیطان است: (قال فبعزتک لاغویبهم اجمعین) (شیطان گفت: به عزت تو قسم که همه آنها را اغوا خواهم کرد). (سوره ص آیت : ۸۲)

سومین صفت: شیطان در قرآن همانا صفت زشت و بدی تکبر و غرور است : « یَعْدُهُمْ وَ یَمْنِيهِمْ وَ مَا یَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا » (شیطان به آنها وعده‌ها (ی دروغین) می‌دهد و به آرزوها سرگرم می‌سازد و جز فریب و نیرنگ به آنها وعده نمی‌دهد. (نساء/۱۲۰). همچنین رجوع کنید به آیات: (ابراهیم/۲۲، حشر/۱۷-۱۶، اسراء/۶۴-۶۵، انفال/۴۸)

اصولاً یکی از نام های شیطان در قرآن، «غُرور» است.

«غُرور» صیغه مبالغه «غُرور» و در اصل به معنای کسی یا چیزی است که بسیار «خدعه کار» و «نیرنگ باز» باشد : « یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَ لَا يَغُرَّنَّكُمُ بِاللَّهِ الْغُرُورُ؛ » مسلماً وعده الهی حق است مبادا زندگانی دنیا شما را بفریبد، و مبادا شیطان شما را بفریبد. « (سوره فاطر/۵؛ همچنین،سوره لقمان/۳۳) «يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَ لَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَ تَرَبَّصْتُمْ وَ ارْتَبْتُمْ وَ غَرَّكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَ غَرَّكُمُ بِاللَّهِ الْغُرُورُ؛» (در روز قیامت) منافقین اهل ایمان را صدا می‌زنند که مگر ما با شما نبودیم؟! می‌گویند: بلی ، ولی شما خود را به هلاکت افکندید و انتظار (مرگ پیامبر را) کشیدید، و (در همه چیز) شک و تردید داشتید، و آرزوهای دور و دراز شما را فریب داد تا فرمان الله فرا رسید، و شیطان شما را در برابر خداوند فریب داد.» (سوره حدید/۱۴) .

اگر به نیرنگ و فریب شیطان در داستان حضرت آدم علیه السلام نظر اندازیم در می یابیم که : شیطان، با روانشناسی ماهرانه و با دست گذاردن بر روی دو میل قدرتمند که در نهاد انسان وجود دارد (یکی میل جاودانگی و دیگری میل قدرت طلبی)، به او وعده ای دروغ داد و دستگاه محاسباتی حضرت آدم (ع) را مورد هدف قرار داد :

«فَوَسَّوَسَ لَهُمَ الشَّيْطَانُ لِيُؤدِّيَ لَهُمَا مَا وَوَرَىٰ عَنْهُمَا مِنْ سَوَاتِيمَا وَ قَالَ مَا تَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ. وَ قَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ؛ سپس شیطان آنها را وسوسه کرد تا آنچه را از اندامشان پنهان بود آشکار سازد و گفت پروردگارتان شما را از این درخت نهی نکرده مگر به خاطر این که (اگر از آن بخورید) فرشته خواهید شد یا جاودانه (در بهشت) خواهید ماند! و برای آنها سوگند یاد کرد که من خیرخواه شما هستم!» (سوره اعراف/۲۱-۲۰)

«فَوَسَّوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَ مُلْكٍ لَّا يَبُؤُا؛» ولی شیطان او را وسوسه کرد و گفت: «ای آدم! آیا می‌خواهی تو را به درخت زندگی جاوید، و ملکی بی‌زوال راهنمایی کنم؟» (طه/۱۲۰)

و اینگونه است که خداوند می فرماید: «فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ ... وَ نَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنهَكُمَا عَنْ تَلْكُمَا الشَّجَرَةَ وَ أَقُلَّ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُّبِينٌ؛» و به این ترتیب، آنها را با فریب (از مقامشان) فرودآورد ... و پروردگارشان آنها را ندا داد که: «آیا شما را از آن درخت نهی نکردم؟! و نگفتم که شیطان برای شما دشمن آشکاری است؟!» (سوره اعراف/۲۲)

چهارمین صفت شیطان در قرآن اینست که: شیطان اعمال انسانها را در نظر انسانها زیبا و به طور زینت جلوه داده، و از همین طریق می خواهد انسانها را راه راست و از راه حق دور و منحرف سازند: (و زين لهم الشيطان اعمالهم فصددهم عن السبيل) (و شیطان اعمال آنها را در نظرشان زینت داد پس آنها را از راه حق باز داشت.) (سوره نمل آیت ۲۴).

پنجمین صفت شیطان در قرآن اینست که: شیطان انسانها را همیشه امر به فحشاء و گناه می کند:

«الشَّيْطَانُ يُعِدُّكُمْ الْفَقْرَ وَ يَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَ اللَّهُ يُعِدُّكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَ فَضْلاً وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛

شیطان، شما را (به هنگام انفاق)، وعده فقر و تهیدستی می دهد، و به فحشاء (و زشتیها) امر می کند، ولی خداوند وعده «آمرزش» و «فروزی» به شما می دهد، و خداوند قدرتش وسیع، و (به هر چیز) داناست. (به همین دلیل، به وعده های خود، وفا می کند.)» (بقره/۲۶۸)

ششمین صفت شیطان در قرآن اینست با این که شیطان حیله گر و مکار است ولی کید و حیله او ضعیف است: «ان کید الشيطان كان ضعيفا» (همانا کید و حیله شیطان ضعیف است) (سوره نساء آیت: ۷۶).

هفتمین صفت شیطان در قرآن اینست که شیطان باعث فراموشی می شود: «فانی نسیت الحوت و ما انسانیه الا الشيطان» (من ماهی را فراموش کردم و آن را از یاد من نبرد مگر شیطان) (سوره: کهف آیت: ۶۳). (فانساه الشيطان ذکر ربه) (شیطان ذکر خدا را از یاد او برد) (سوره: یوسف آیت: ۴۲).

هشتمین صفت شیطان در قرآن اینست که شیطان ذریه دارد و تولد تناسل دارد: (افتتخونه و ذریته اولیاء من دونی و هم لکم عدو) (آیا او (شیطان) و ذریه او را اولیاء خود قرار می دهید در حالی که آنها برای شما دشمن هستند) (سوره: کهف آیت: ۵۰).

نهمین صفت خیرخواه نشان دادن: یکی از شیوه های مکاری شیطان اینست که در دستگاه محاسباتی انسان نفوذ می کند، و بدین ترتیب خود را برای انسان خیرخواه جلوه می دهد. به طور مثال مکاری شیطان درباره حضرت آدم (ع) بود. «فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوَاتِمِهِمَا وَ قَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَکَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ وَ قَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ» سپس شیطان آنها را وسوسه کرد تا آنچه را از اندامشان پنهان بود آشکار سازد و گفت پروردگارتان شما را از این درخت نهی نکرده مگر به خاطر این که (اگر از آن بخورید) فرشته خواهید شد یا جاودانه (در بهشت) خواهید ماند! و برای آنها سوگند یاد کرد که من خیرخواه شما هستم!» (سوره اعراف/۲۱-۲۰).

از جمله «وسوس له» - با توجه به حرف «لام» که معمولاً برای نفع و فائده می آید - چنین استفاده می شود که شیطان در وسوسه های خود، چهره خیرخواهی و دوستی آدم را به خود گرفت، در حالی که در جمله «وسوس الیه» چنین معنی وجود ندارد، بلکه تنها به معنای «نفوذ مخفیانه» در قلب کسی است.

خواننده محترم!

اعتماد به دشمن و در دام لبخندها و وعدهها و حمایتهای آنها افتادن نیز آسیب بزرگ دیگری است که انسان باید از آن بر حذر باشد.

دشمن را باعلاماتش در هر لباسی که باشد، باید شناخت و از کید او که در مواردی در پس ظاهر دوستی و کمک پنهان می شود، باید مردم را آگاه ساخت.

پروردگارا ما را از شر شیطان خبیث و الرجیم نگاه دار، پروردگارا ما از شر شیطان به تو پناه می بریم.

هدایت ورهنمود قرآن کریم در مقابله با شیطان:

قرآن عظیم الشان طوریکه قبلاً تذکر دادیم در آیات متعددی از شیطان به عنوان دشمن آشکار انسان نام برده و می فرماید: ان الشیطان للانسان عدو مبین؛ «شیطان دشمن آشکار انسان است.» و در هشدار دیگری می فرماید، بنی آدم شیطان شما را فریب ندهد آن گونه که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد.

قرآن عظیم الشان به انسان هشدار می دهد و برای انسان همیشه زنگ خطر را به صدا در می آورد می فرماید: «هر کس شیطان را به جای خداوند به عنوان ولی و سرپرست خود انتخاب کند زیان آشکار و بزرگی را مرتکب خواهد شد.»

همچنان قرآن درباره پیروان شیطان می فرماید: «هر آینه جهنم را از تو و بندگانی که از تو پیروی کنند پر خواهم کرد.» در اینجا يك سوال مطرح می شود و آن این که با توجه به این همه هشدارهای قرآنی و با وجود همه هشدار هائی که توسط انبیا و علماء در مورد پیامدهای خطرناک شیطان خبیث صورت می گیرد چرا انسان ها به این هشدارها بی توجه هستند؟

در جواب باید گفت: که این بی توجهی انسانها در چند عامل ذیل خلاصه می گردد:

عامل اول:

نفوذ شیطان آنچنان مخفی و تحت پلان دقیق مخفی کاری در انسان صورت می گیرد ، که انسان فکر می کند این خود اوست که چنین تصمیمی را گرفته است و دشمنی کسی را احساس نمی کند.

عامل دوم:

فوری نبودن نتایج پیروی از این دشمن خطرناک. این بدین معنا است که اغلب انسانها که از نفس اماره و شیطان پیروی می کنند ، نتایج آن چنان فوری نیست که انسان با چشیدن طعم تلخ آن در برابرش مقاومت ورزد.

عامل سوم:

لذت گرایی افراطی که در نتیجه قوای مقاومت را از انسان سلب می کند .

عامل چهارم:

تنوع و انعطاف پذیری شگفت انگیزی که در شیطان وجود دارد از جمله عوامل تأثیرپذیر انسان از پروگرام های شیطان است. بادر نظر داشت این که شیطان در قرآن عظیم الشان به حیث دشمن آشکاری انسان معرفی گردیده است.

چرا پروردگار به شیطان اجازه وسوسه را داده است؟

قبل از این که به جواب سؤال بپردازم می خواهم کمی به عقب برگشته وداستان را از دید قرآن عظیم الشان به طور مختصر از اوایل آغاز نمایم.

زمانی که شیطان به علت نافرمانی از درگاه الهی رانده شد ، از پروردگار مهلت خواست و خداوند هم تا وقت معینی به او مهلت داد و شیطان پس از گرفتن این مهلت اظهار داشت : که فرزندان آدم را وسوسه خواهد کرد و آنها را وادار به انجام کارهای بد خواهد نمود. قرآن در آیات (۳۶ تا آیات ۴۰ سوره حجر) در مورد چنین می فرماید : «قال رب فانظرنی الی یوم یبعثون قال فانک من المنظرین الی یوم الوقت المعلوم قال رب بما اغویتنی لأزین لهم فی الارض و لأغویبهم اجمعین الا عبادک منهم المخلصین.» (شیطان) گفت: پروردگارا تا روزی که مبعوث می شوند به من مهلت بده خداوند گفت: تو از مهلت داده شدگانی تا روز وقت معین. شیطان گفت: پروردگارا

به سبب این که تو مرا گمراه نمودی، (اعمال فرزندان آدم را) برای آنها زینت خواهم داد و همگی آنها را گمراه خواهم ساخت مگر بندگان خالص تو را.

در جواب سؤال می توان گفت: خداوند انسان را آفرید و به او اختیار و آزادی انتخاب داد به طوری که انسان در انتخاب خیر و شر آزاد است او می تواند راه انبیاء را در پیش گیرد و به سعادت ابدی دست یابد. و هم می تواند از خداوند و پیامبر فاصله بگیرد و به گناه و معصیت و شرّ روی آورد.

در این میان خداوند با ارسال پیامبران و کتب آسمانی، انسان را به سوی خیر و سعادت دعوت کرد لازم بود نیروئی هم باشد که انسان را به سوی شر و بدیها دعوت کند تا آزادی انسان در اختیار و انتخاب از بین نرود و او بر سر دو راهی قرار بگیرد آنگاه با انتخاب راه درست، کمال خود را به ثبوت برساند. باید به دقت گفت که این امتحان و انتخاب کار و ضرورت بنده است.

بنابراین، وسوسه های شیطان برای افراد باایمان نه تنها زیانبخش نیست بلکه باعث تکامل بیشتر آنهاست و انتخاب راه خدا با وجود وسوسه های شیطان، بسیار ارزشمند است و افراد با ایمان با مبارزه با وسوسه های شیطان به مراتب بالائی از کمال می رسند.

اساساً وجود دشمن، انسان را آماده تر و قویتر می سازد و او را وادار می کند که از تمام امکانات خود استفاده کند و در عزم و اراده خود ثابت قدم باشد.

ضمناً توجه کنیم که وسوسه شیطان در حد الزام و اجبار نیست و شیطان هرگز نمی تواند و اجازه ندارد که انسان را به ارتکاب گناه و معصیت مجبور کند. کار او تنها وسوسه است و شخص با ایمان وقتی چند بار با آن مبارزه کرد دیگر مخالفت با آن کار دشواری نخواهد بود. طوری که قرآن عظیم الشان این مطلب را در (آیات ۹۹ - ۱۰۰) با زیبایی خاص خویش چنین بیان میدارد: «انه لیس له سلطان علی الذین آمنوا و علی ربهم یتوکلون انما سلطنه علی الذین یتولونه» (همانا شیطان را بر کسانی که ایمان آورده اند و بر پروردگارشان توکل کردند، تسلطی نیست. تسلط او تنها بر کسانی است که ولایت او را پذیرفته اند).

همچنین قرآن در جای دیگر از زبان شیطان نقل می کند که در روز قیامت در جواب کسانی که شیطان را مسؤل گمراهی خود می شمارند، خواهد گفت: «و ما کان لی علیکم من سلطان الا ان دعوتکم فاستجبتم لی فلا تلو مونی و لو موا انفسکم» (سوره ابراهیم آیت: ۲۲) (مرا بر شما تسلطی نبود جز این که شما را دعوت کردم و شما مرا اجابت نمودید پس مرا مذمت نکنید بلکه خود را مذمت کنید).

خلاصه این که وسوسه شیطان الزام آور نیست و همین وسوسه گری هم موجب پیشرفت و تکامل مؤمنان است. درخاتمه دعا می کنیم:

پروردگارا! ما را از وسوسه های شیطان رجیم، و از اعمال شیطانی، خبیثانه و ابلیسانه آن، و از فریب های شیطان مکار، «الذی یوسوس فی صدور الناس، و از شر وسوسه گران خناس، در حفظ وامان خود داشته باش پروردگارا! از شر شیطان خبیث به تو پناه می بریم و به بانگ رسا اعلام می داریم:

«قل اعوذ برب الفلق، من شر ما خلق، و من شر غاسق اذا وقب، و من شر النفاتات فی العقد، و من شر حاسد اذا حسد.» (الهی ما به تو که پروردگار سپیده صبح هستی پناه می بریم، پناه می بریم از شر مخلوقات و از شر شب تار که فرارسد، و از شر جادوگرانی که در گره ها دمند، و از شر هر حاسدی که حسد ورزد).

پروردگارا! تو رحمان و رحیم و بخشنده ای! لطف و مروت را از بنده گناهکار در یغ مفرما. آمین

دفع وسواس شیطان:

در حقیقت وسوسه مریضی خطرناکی است و از توطئه های شیطان برای انسان است، شیطان می خواهد با وسوسه انسان ها را در تنگنا قرار دهد و آنها را گمراه کند و از طاعت الهی باز دارد. از این رو خداوند به پیامبرش صلی الله علیه وآله وسلم دستور داده است که از این وسوسه به خدا پناه ببرد و در این مورد سوره کاملی نازل کرده است:

« قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (۱) مَلِكِ النَّاسِ (۲) إِلَهِ النَّاسِ (۳) مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (۴) الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ (۵) مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ (۶) (سوره الناس)

شیطان انسان را وسوسه می کند و در مورد مؤمنان وسوسه اش شدید است، وسوسه با دو چیز علاج می شود:

۱- مؤمن نباید به این وسوسه توجه کند؛ بلکه قاطعانه آن را از خود دفع کند؛ چون وسوسه از شیطان است و به او ضرر نمی رساند.

۲- به ذکر خداوند متعال مشغول شود، شیطان از او دور می شود، از این رو خداوند در مورد شیطان می گوید: (الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ) یعنی وقتی که انسان از ذکر پروردگارش غافل می شود شیطان به سراغش می آید و او را وسوسه می کند، وقتی که انسان پروردگارش را یاد کند شیطان از او دور می شود. نصیحت من به سؤال کننده و امثالش این است که این دو کار را انجام دهد.

۱- به وسوسه توجه نکند و تحت تأثیر آن قرار نگیرد آنگاه وسوسه به اذن خدا دور خواهد شد؛ چون وقتی انسان به آن توجه کند بیشتر می شود و شیطان به انسان مسلط می گردد.

۲- به کثرت به ذکر خدا و تلاوت قرآن عظیم الشأن مشغول شود و از شیطان به خدا پناه ببرد. آیه الکرسی و معوذتین (سوره فلق و ناس) را بخواند و تکرار کند، با این کارها به اذن خدا وسوسه اش دور خواهد شد. صدق الله العظیم و صدق رسوله نبی الکریم.

فهرست:

ترجمه آیات

معلومات مؤجز

محتوای کلی سوره ناس

تفسیر سوره ناس

اوصاف سه گانه خداوند در سوره ناس

موضوعات قابل بحث در این سوره

تعریف استغاثه

انواع استغاثه

الف: استغاثه در عالم اسباب

ب: استغاثه در عالم مافوق اسباب

عادت مشرکین قریش در پناه جستن

دو دشمن انسان ، انس و جن و مقابله با آنان

چرا شیطان ملقب به خناس شد

گروپ خناسان
شیطان و سیطره آن بر انسان
توبه گمراهان استجابت نمی گردد
توبه در اصطلاح
توبه فرعون چرا قبول نشد؟
شیطان خبیث
برخی از اوصاف خبیثه شیطان در قرآن
هدایت و رهنمود قرآن کریم در مقابله با شیطان
چرا پروردگار به شیطان اجازه وسوسه را داده است؟
دفع وسواس شیطان

منابع و مأخذ های عمده:

- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم (تألیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول علامه جلال الدین سیوطی ترجمه از عبد الکریم ارشد فاریابی
- تفسیر انوار القرآن - نوشته: عبدالرؤف مخلص هروی
- فیض الباری شرح صحیح البخاری داکتر عبد الرحیم فیروز هروی
- تفسیر طبری - امام المفسرین
- تفسیر المیزان
- تفسیر پرتوی از قرآن
- تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر (متوفی سال ۷۷۴ هـ)
- مفردات الفاظ القرآن، از راغب اصفانی
- جلوه های از اسرار قرآن حکمتیار
- تفسیر معارف القرآن مؤلف حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا محمد یوسف حسین پور
- تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب (متوفی سال ۱۳۸۷ هـ)
- تفسیر نور تألیف دکتر مصطفی خرّم دل
- تفسیر کابلی (تألیف: شیخ محمود الحسن دیوبندی مترجم: هیأتی از علمای افغانستان)
- صحیح مسلم
- صحیح البخاری